

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Challenges of Forgivable Crimes in Iranian Law

Alireza Mohammadbeyki ^{*1}, Seyyed Ahmad Amini ²

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Criminal Justice and Criminology, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.

* Corresponding Author's Email: Ali.mohammadbeyki@iauctb.ac.ir

ABSTRACT

The objective of the present article is to examine the challenges associated with forgivable crimes (jarāyem-e qābel-e gozasht) in Iranian law. This is a descriptive-analytical study conducted through a library-based research method. The present research, aiming to assess the feasibility of expanding the category of forgivable crimes within the Iranian legal system, concludes through an analytical and descriptive approach that certain criteria and terms used by the legislator in Article 11 of the Law on Reduction of Discretionary Punishments lack the expected clarity and explicitness. This ambiguity in legislative policy has consequently created challenges for judicial authorities in identifying instances of forgivable crimes. For example, the scope of forgivable crimes in terms of enumerated instances, the requirement of a victim's presence, and the various types of criminal liability remain vague and undefined. In practice, this poses a serious obstacle to the fair and uniform enforcement of the law in cases with similar subject matters, leading to divergent rulings by judicial bodies and, inadvertently, conflicting outcomes. Undoubtedly, with the passage of time and changes in societal lifestyles, laws will naturally undergo transformations. However, some aspects of legislation are based on fundamental principles that are immutable. The forgivability of crimes is conditioned upon the absence of harm to public interest and the private nature of harm to the victim, which remains a constant and unchangeable legal principle. Nonetheless, in cases where the harm caused by the offender is limited and negligible, the expansion of forgivable crimes becomes feasible.

Keywords: Forgivable crimes, Punishment, Criminal responsibility, Offender, Victim.

How to cite: Mohammadbeyki, A., Amin, S.A. (2024). Challenges of Forgivable Crimes in Iranian Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 1(4), 67-73.



تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۹/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

چالش‌های جرائم قابل گذشت در حقوق ایران

علیرضا محمدبیکی^{۱*}، سید احمد امینی^۲

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه جزا و جرم شناسی، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Ali.mohammadbeyki@iauctb.ac.ir

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی چالش‌های جرائم قابل گذشت در حقوق ایران است. این مقاله توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی و امکان‌سنجی توسعه جرائم قابل گذشت در حقوق ایران، با رویکردی تحلیلی و توصیفی به این نتیجه دست یافته است که برخی معیارها و عبارات استعمال شده توسط قانون‌گذار در متن ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات‌های تعزیری، به علت عدم بدهت و وضوح مورد انتظار، در سیاست تقنینی و در نتیجه مبهم بودن، باعث حدوث چالش‌هایی برای مراجع قضایی در تشخیص مصادیق جرائم قابل گذشت شده است. به عنوان مثال قلمرو جرائم قابل گذشت از حیث مصادیق احصا شده، شرط وجود بزه دیده، انواع مختلف مسئولیت کیفری مبهم و نامشخص است. این امر در عمل برای اجرای عادلانه و یکسان قانون در پرونده‌ها با موضوعات متشابه می‌تواند مانع جدی محسوب شود، در نتیجه باعث صدور آرای متفاوت در محاکم قضایی شده و نتایج متعارضی به شکل ناخواسته به دنبال داشته باشد. بدون تردید با گذشت زمان و تغییر در نوع زیستن افراد جامعه قوانین به طبع دچار تغییر خواهند شد. اما برخی از جوانب قوانین دارای اصل‌های اصیلی هستند که غیرقابل تغییر خواهند بود. قابل گذشت بودن جرائم مشروط به عدم ضرر بر جامعه و خصوصی بودن ضرر برای بزه‌دیده است که غیرقابل تغییر و امری ثابت خواهد بود. اما در مواردی که سطح ضرر ایجادشده توسط بزهکار محدود و قابل چشم‌پوشی است، امکان توسعه در جرائم قابل گذشت فراهم می‌باشد.

کلیدواژگان: جرائم قابل گذشت، مجازات، مسئولیت کیفری، بزهکار، بزه‌دیده

نحوه استناددهی: محمدبیکی، علیرضا، امینی، سید احمد. (۱۴۰۲). چالش‌های جرائم قابل گذشت در حقوق ایران. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۱ (۴)، ۶۷-۷۳.



قابل گذشت در مفهوم مضیق خود به آن دسته از جرایمی اطلاق می شود که فرایند کیفری آن تنها با شکایت زیان دیده از جرم، به جریان افتاده و با گذشت او در هر مرحله، این فرآیند با صدور قرار موقوفی، متوقف می گردد. به عبارت دیگر جرائم قابل گذشت، جرایمی هستند که علاوه بر جنبه عمومی، حیثیت خصوصی درخور اعتنائی دارند. قانون گذار در این دسته از جرائم، سهم به سزایی برای اراده‌ی شاکی قائل شده به نحوی که شروع، ادامه‌ی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است» (Ahmadzadeh & Mashayekhi, 2019).

«در سیاست کیفری ایران، این جرائم از مفهوم واحدی تبعیت کرده و تغییر مصادیق قانونی آن و ابداع برخی نهادهای مشابه، خللی به اصالت مفهومی آن وارد نکرده است. در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز این مرزبندی و جداسازی تا حدودی مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است. علی رغم این که جرائم قابل گذشت از حیث مفهومی یکسان می باشند، اما قانون گذار در ادوار مختلف، برای تفکیک جرائم قابل گذشت و غیر قابل گذشت، از دو شیوه احصای قانونی^۱ و ضابطه قانونی^۲ استفاده نموده است» (Mahmoudi et al., 2017).

در حقوق قدیم جوامع بشری و قبل از تشکیل دولت ها و نهادهای عمومی، جرائم فاقد جنبه عمومی بوده و صرفاً واجد جنبه خصوصی بوده است و در نتیجه آن ها را خطاهای عمومی که بر کل جامعه اثر می گذارد محسوب نمی کردند (Foroughi, 2004). مفهوم نظم عمومی و تأثیر ارتکاب جرم در اختلال آن یعنی ضرر اجتماعی ناشی از جرم که منافع اجتماعی را در معرض خطر و تهدید قرار می دهد در آن زمان ناشناخته و غیر قابل درک بوده است. اما در نگاهی که برخی از حقوق دانان دارند «تمامی جرائم اشتراک در وصف عمومی بودن به لحاظ اخلال در نظم جامعه را دارند. لیکن در برخی از جرائم ضرر به حقوق خصوصی بزه دیده آن چنان اهمیت دارد که مقنن جنبه خصوصی حاصل از جرم را، غالب بر جنبه عمومی آن می داند. که از آن تحت عنوان جرائم قابل گذشت بودن جرائم استثناء و خلاف اصل محسوب می شود» (Aghaei Jannat Makan, 2018). در این راستا ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ بیان می دارد که: «چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیر قابل گذشت محسوب می شود مگر این که از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد». «جرائم در یک تقسیم بندی کلی و عرفی، به غیر قابل گذشت و قابل گذشت تقسیم می شوند. جرائم

^۱ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، به عنوان اولین قانون ماهوی کیفری ایران، شیوه احصای قانونی را اتخاذ کرد و جرائم قابل گذشت در ماده ۲۷۷ این قانون چنین بر شمرده شد: «نظریه ماده ۶ اصول محاکمات جزایی که امکان تعقیب قسمتی از جرم ها را موکول به شکایت مدعی خصوصی نموده است.» و همچنین در ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات ۱۳۷۵ که با شیوه احصائی قانونی اقدام به بر شمردن جرائم قابل گذشت نموده و اشعار می داشت: «جرائم مندرج در مواد ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰ و ۶۰۱ جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف نظر نماید» ماده ۱۰۴ قانون مجازات

اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که با شیوه احصائی قانونی اقدام به بر شمردن جرائم قابل گذشت نموده و اشعار می داشت: «علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد قذف این قانون و جرایمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می باشند، جرائم مندرج در قسمت اخیر ماده (۵۹۶) و مواد (۶۰۸)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۲)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰)، (۶۹۲)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹) و (۷۰۰)

از کتاب پنجم «تعزیرات نیز قابل گذشت محسوب می شوند.»

^۲ ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۲ که برای تفکیک جرائم قابل گذشت و غیر قابل گذشت از روش ضابطه مند استفاده نموده و ضابطه حق الناس و حقالله را به کار برده و اشعار می داشت: «در حقوق الناس تعقیب و مجازات مجرم متوقف بر مطالبه صاحب حق یا قائم مقام قانونی اوست.»

«قانون‌گذار کیفری ایران ذیل مبحث سوم از فصل یازدهم قانون مجازات اسلامی گذشت شاکی را در جرائم قابل گذشت تعزیری یکی از موارد سقوط مجازات دانسته است که موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات خواهد شد. با وجود آن‌که جرائم به جهت گره خوردن با نظم عمومی جامعه در اصل غیرقابل گذشت تلقی می‌شوند و از بدو تصویب قوانین کیفری به تأثیر از حقوق فرانسه، اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرائم بوده است (صدقی، ۱۳۸۹: ۳۴-۱۷). لکن به نحو احصائی و مبتنی بر شرع آن دسته از جرائمی که جنبه‌ی خصوصی آن‌ها پررنگ‌تر از جنبه‌ی عمومی‌شان باشد، قابل گذشت هستند. البته به موجب موازین فقهی دسته‌بندی دیگری تحت عنوان جرائم حق‌اللهی و جرائم حق‌الناسی نیز مطرح است که به‌رغم شباهت‌های فراوان با این دسته‌بندی، مفهوم و قلمرو آن‌ها یکسان نیست» (Aghaei Jannat Makan, 2018).

«با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و به‌موجب ماده ۱۰۱، قانون‌گذار با تغییر رویکرد نسبت به گذشت مشروط و معلق که در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ آن را فاقد اعتبار می‌دانست، صراحتاً گذشت مشروط و معلق را در صورت تحقق شرط یا معلق علیه به رسمیت شناخته و در تبصره ۱ ماده ۱۰۱ ضمن اعلام این‌که چنین گذشتی مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست، اجرای مجازات در قبال جرائم قابل گذشت را منوط به عدم تحقق شرط یا معلق علیه دانسته است. درواقع قانون‌گذار با این شیوه‌ی تفنین، نه قصد کنار گذاشتن گذشت مشروط و معلق را به‌طور کامل داشته و نه خواسته که آن را بی‌هیچ قید و شرطی بپذیرد و در نتیجه با رویکردی میانه در مسیر قانونمندسازی قدم برداشته است. البته باید توجه داشت که با تحقق شرط یا معلق علیه در هر مرحله، فرایند کیفری متوقف گردیده و مقام قضایی مکلف به صدور قرار موقوفی است» (Mahmoudi et al., 2017). لذا با توجه به محدود بودن ماهیت قابل گذشت بودن یا

نبودن جرائم؛ این‌که بتوان حوزه‌ی جرائم قابل گذشت را گسترش داد و بستری فراهم نمود که جرائم قابل گذشت در آن توسعه یابد موضوعی مهم و قابل بحث است، که این پژوهش سعی در بررسی و واکاوی این مهم را دارد. هدف اصلی پژوهش پیش رو پاسخ به این سؤال است که چالش‌های توسعه جرائم قابل گذشت و مراجع اجرای احکام در مورد جرائم قابل گذشت در حقوق ایران چیست؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا چالش‌های توسعه جرائم قابل گذشت و در ادامه چالش‌های مراجع اجرای احکام در مورد جرائم قابل گذشت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. چالش‌های توسعه جرائم قابل گذشت

چالش‌های توسعه جرائم قابل گذشت عبارت‌اند از:

۱-۱. مبهم بودن قلمرو مصادیق احصا شده جرائم قابل گذشت
یکی از چالش‌های قانون کاهش، مبهم بودن قلمرو مصادیق جرائم قابل گذشت می‌باشد. به‌عنوان مثال؛ جرم کلاهبرداری و مصادیق آن، یکی از موارد جرائم قابل گذشت می‌باشد؛ و در این راستا ماده ۱۰۴ اصلاحی اشعار می‌دارد: «جرائم انتقال مال غیر و کلاهبرداری موضوع ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده (۳۶) این قانون بیشتر نباشد و نیز کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آن‌ها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود در صورت داشتن بزه‌دیده» «بر اساس این قسمت از مقرر مذکور، جرم کلاهبرداری و مصادیق آن با شرایط ذکرشده به ترتیب فوق، قابل گذشت محسوب می‌گردند. حال سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد، این است که آیا جرم کلاهبرداری رایانه داخل در جرائم قابل گذشت می‌باشند؟ در این رابطه اداره کل حقوقی قوه قضائیه طی نظریه مشورتی شماره ۴۵۰/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۴/۲۵ و در پاسخ به سؤال آیا جرائم موضوع ماده ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات که فصل سوم

نظر به ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که اشعار می‌دارد: «چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیرقابل گذشت محسوب می‌شود، مگر این که از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد.» از این رو اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرائم است؛ و در موارد شک و تردید، باید به اصل ذکر شده رجوع نمود. بنا بر مراتب یادشده، به نظر می‌رسد که نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه در این مورد منطبق با اصول حقوقی نمی‌باشد» (Fetili et al., 2021). مهم‌ترین نکته‌ای که در مورد جرائم قابل گذشت وجود دارد تأثیر گذشت شاکی خصوصی در این جرائم است. باید توجه داشت که گذشت شاکی خصوصی در جرائم قابل گذشت به این معناست که مقامات قضایی امکان تعقیب مجرم را نداشته و نمی‌توانند به جرم او رسیدگی کنند. همچنین اگر شاکی از مجرم شکایت کرده و مجرم در حال گذراندن محکومیت باشد، در صورت گذشت شاکی، اجرای مجازات متوقف خواهد شد. اما در مورد جرائم غیرقابل گذشت، اگر جرم دارای بزه دیده باشد، تأثیر گذشت او تنها می‌تواند سبب تخفیف در مجازات مرتکب گردد و اثر دیگری نخواهد داشت.

۱-۲. مبهم بودن، باتوجه به شرط وجود بزه دیده در جرائم علیه

اموال

اشاره شد که جرائم قابل گذشت به جرایمی می‌گویند که گذشت و خواست شاکی یا همان بزه دیده در آن‌ها تأثیرگذار است و باعث توقف تعقیب و یا حتی در مواردی عدم تعقیب متهم خواهد شد این گذشت می‌تواند باعث عدم تعقیب و یا حتی عدم اجرای مجازات شود. «نظر به این که، فلسفه ذاتی جرم انگاری در جرائم علیه اموال، حمایت از حقوق مالکانه اشخاص می‌باشد. از این رو اصولاً جرم علیه اموال بدون مالک امری غیرقابل تصور است. (اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از خصوص و دولتی در باب مالکیت هیچ تفاوتی ندارند.) با توجه به این که در جرائم علیه اموال احصا شده در ماده ۱۱ قانون کاهش (کلاهبرداری و مصادیق آن،

جرائم رایانه‌ای تحت عنوان کلاهبرداری مرتبط با رایانه قابل انطباق با عنوان جرائم که طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود موضوع قانون کاهش مجازات حبس تعزیری می‌باشد یا خیر؟ پاسخ: با عنایت به اینکه ماده ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی، تحت عنوان کلاهبرداری مرتبط با رایانه جرم انگاری شده است، جرم موصوف از جمله جرایمی است که از نظر قانون‌گذار کلاهبرداری محسوب می‌شود، بنابراین جرم مذکور مشمول احکام مقرر در تبصره الحاقی به ماده ۴۷ و ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ (موضوع قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹) می‌باشد» (Rashnoudi & Mirzaei, 2021). در این راستا باتوجه به متن ماده مذکور به نظر می‌رسد، مراد قانون-گذار صرفاً جرم کلاهبرداری مادی و مصادیق مادی آن که بر اساس ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام را مشمول می‌داند؛ زیرا در متن ماده مذکور در ابتدا به ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره نموده و به صورت مطلق به جرم کلاهبرداری اشاره ننموده است. «از طرفی نیز قانون‌گذار در قانون کاهش و در تبصره الحاقی به ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به صورت مطلق و بدون اشاره به ماده ۱ قانون تشدید، مجازات جرم کلاهبرداری و کلیه مصادیق آن را قابل تعلیق دانسته است. از این رو اگر قانون‌گذار نظر بر قابل گذشت بودن جرائم کلاهبرداری رایانه داشته، به صورت مطلق و بدون اشاره به ماده ۱ قانون تشدید، این امر را بیان می‌نمود. نکته مهم دیگر این است که در متن ماده ۱۱ قانون کاهش، به مبالغ ذکر شده در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره نموده است و این مبالغ صرفاً ناظر بر کلاهبرداری مادی می‌باشد و کلاهبرداری رایانه هیچ جایگاهی در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی ندارد» (Fetili et al., 2021). از طرف دیگر، با دقت

سرقت و مشتقات آن)، قابل گذشت بودن این جرائم را مشروط به وجود بزه دیده نموده است، این امر با فلسفه ذاتی این جرائم در تعارض است، زیرا تصور جرم علیه اموال بدون مال باخته امری غیرقابل تصور می باشد، بنابراین قابل گذشت محسوب نمودن جرائم علیه اموال، مشروط به وجود بزه دیده، اصولاً امری قابل ایراد می باشد» (Rashnoudi & Mirzaei, 2021). علت اینکه برخی جرائم قابل گذشت و برخی غیرقابل گذشت هستند جنبه عمومی و حق الناس جرائم می باشد یک سری جرائم که در پاراگراف های قبل از آن ها نام برده شد جرایمی هستند که جنبه حق الناس آن ها بسیار بالاتر از جنبه حق الهی عمومی آن ها می باشد. این جریان قابل گذشت هستند یعنی با گذشت شاکی تعقیب موقوف می شود و حتی با شکایت شاکی تعقیب این جرائم آغاز می شود و تا شاکی شکایت نکند دولت حق پیگیری نخواهد داشت. و حتی اجرای مجازات هم نیاز به درخواست شاکی دارد در مقابل این جرائم، جرائم غیرقابل گذشت وجود دارد که مأموران و ضابطان حتی بدون شکایت شاکی خصوصی این جریان و مجرمان را تعقیب کرده و پرونده شان را پیگیری کرده و مجازاتشان را اجرا می کنند و رضایت شاکی می تواند در تخفیف و سایر نهادهای ارفاقی به حال متهم تأثیرگذار باشد.

۱-۳. ابهام باتوجه به اشکال مختلف مسئولیت کیفری و شرایط

ذکر شده در ماده ۱۱ قانون کاهش

ابهام در قابلیت گذشت از حیث اشکال مختلف مسئولیت کیفری از چالش های قانون کاهش مجازات های تعزیری می باشد. در این رابطه اداره کل حقوقی قوه قضائیه طی نظریه مشورتی شماره ۶۴۹/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۹ و در پاسخ به سؤالات.

«الف: باتوجه به عبارت قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ آیا شروع به جرم و نیز معاونت در جرائم کلاهبرداری، در حکم کلاهبرداری و سرقت ساده، مشروط به وجود بزه دیده و با رعایت حد نصاب های مالی ذکر شده، جزء

جرائم قابل گذشت هستند؟ ب: آیا شرط داشتن بزه دیده برای قابل گذشت تلقی شدن جرائم انتقال مال غیر و کلاهبرداری ضرورت دارد؟ و همچنین رعایت حد نصاب مالی مقرر برای قابل گذشت تلقی شدن جرائم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آن ها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می شوند، ضرورت دارد؟ پ: آیا کلاهبرداری و انتقال مال غیر در مورد اموال دولتی و عمومی و نیز شروع به آن جرائم و یا معاونت در آن، جزء جرائم قابل گذشت مندرج در ماده قانونی اخیرالذکر است؟ ت: با توجه به ماده قانونی اخیر و نیز ماده ۵۹ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع آیا بزه تصرف عدوانی اراضی ملی کماکان از جرائم قابل گذشت است؟ پاسخ الف، شرط یا شرایطی که برای قابل گذشت محسوب شدن برخی از جرائم از سوی مقنن به طور خاص در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ مقرر شده است درخصوص کلیه کسانی که به نحوی در ارتکاب این جرائم یا شروع به آن ها دخیل اند (اعم از مباشر، شریک یا معاون) باید ملحوظ گردد؛ بنابراین، قابل گذشت بودن شروع و معاونت در جرائم کلاهبرداری و انتقال مال غیر باتوجه به ماده صدرالذکر مشروط به این است که مبلغ آن جرم از نصاب مقرر در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیشتر نباشد و نیز قابل گذشت بودن شروع و معاونت در جرائم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آن ها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می شود، منوط به داشتن بزه دیده است و همچنین با عنایت به ماده صدرالذکر شروع و معاونت در جرائم سرقت موضوع مواد ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۱ و ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، چنانچه ارزش مال مسروقه کمتر از ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و سارق فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد، قابل گذشت است» (Fetili et al., 2021).

۱-۴. گذشت شاکی و حدوث چالش در موارد تعدد مادی

مشابه

«یکی از نوآوری‌های قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری، تعیین مجازات واحد برای جرائم متعدد مشابه ارتكابی توسط متهم واحد می‌باشد. این در حالی است که در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به تعداد جرائم ارتكابی مرتکب، صرف‌نظر از مشابه یا مختلف بودن آن‌ها، توسط مراجع قضایی و به استناد ماده مذکور تعیین مجازات می‌گردد؛ اما در قانون جدید، ارتكاب جرائم متعدد مشابه به هر تعدادی تنها یک مجازات تعیین می‌گردد. حال سؤالی که در این جا مطرح می‌گردد، این است که این نوآوری از حیث کاربردی، جنبه مثبت دارد یا منفی؟ برای پاسخ به این سؤال دو پرونده مختلف به صورت مفروض مطرح می‌گردد. الف) فرض اول: کارمند بانکی (بانک دولتی) با تشکیل پرونده‌های صوری و به تعداد بیست فقره و به نام مشتریان بانک (با وصف عدم علم و اطلاع آنان)، قصد اخذ وام‌های متعدد برای خود دارد و قبل از استفاده از اسناد مجعول دستگیر می‌شود و در این راستا، نامبرده مرتکب بیست فقره جعل در اسناد گردیده است؛ و با اطلاع مشتریان تعداد بیست فقره شکایت علیه متهم مطرح می‌گردد. حال در این پرونده بر اساس مقررات جدید، باتوجه به مشابه بودن جرائم ارتكابی مرجع قضایی تنها یک مجازات برای مرتکب تعیین می‌نماید. با دقت نظر به مراتب یاد شده فوق، جرائم ارتكابی توسط متهم از جرائم غیرقابل گذشت می‌باشند و در فرض اعلام گذشت شکات، مرجع قضایی با چالش‌هایی در تعیین مجازات مواجه خواهد بود. در این راستا اعلام گذشت شکات باتوجه به مقررات شکلی در دو مرحله قابل تصور است» (Fetili et al., 2021):

«۱. مرحله قبل از صدور حکم قطعی: با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در موارد گذشت شاکی، در پرونده‌های شکات متعدد با جرائم متعدد علیه مجرم واحد، گذشت هر یک از شکات تنها در موضوع شکایت خود مؤثر بود و مرتکب از آن

پاسخ سؤال ب: در بزه کلاهبرداری که بردن مال غیر به نحو متقلبانه است، فرض نداشتن بزه دیده قابل تصور نیست و در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، «بزه کلاهبرداری فقط به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیشتر نباشد، قابل گذشت اعلام شده است» و عبارت «در صورت داشتن بزه دیده» ناظر به جرائم «در حکم کلاهبرداری» و جرایمی است که «مجازات کلاهبرداری درباره آن‌ها مقرر شده است» و یا «طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود» و قابل گذشت بودن این جرائم مشروط به نصاب خاصی نیست.

پاسخ سؤال پ: همان‌طور که در بند «ثانیاً» بیان شد، طبق ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، «بزه کلاهبرداری و انتقال مال غیر به شرطی که مبلغ آن، یک میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد، به طور مطلق قابل گذشت محسوب شده است؛ اعم از اینکه این جرائم نسبت به اشخاص خصوصی یا نسبت به اشخاص دولتی و عمومی واقع شود، یا اینکه جرم تام باشد و یا در مرحله شروع باشد». «لحاظ این شرط (همان‌طور که در بند «اول» ذکر شد)، درخصوص کلیه کسانی که به نحوی در ارتكاب این جرائم و یا شروع به آن‌ها دخیل‌اند؛ اعم از مباشر، معاون یا شریک باید رعایت شود. پاسخ به سؤال: با توضیح این که ماده ۵۵ و تبصره الحاقی این ماده از قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع اصلاحی ۱۳۴۸ راجع به تصرف منابع ملی با تصویب ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نسخ شده است، طبق ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بزه تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق فقط نسبت به املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی قابل گذشت اعلام شده است و این جرائم نسبت به املاک و اراضی اشخاص دولتی و عمومی غیرقابل گذشت هستند» (Rashnoudi & Mirzaei, 2021).

حیث و در آن جرم موضوع گذشت شاکی مشمول مقررات تخفیف می‌شد؛ و گذشت شاکی در دیگر جرائم متهم، هیچ تأثیری نداشت؛ و با توجه به تعیین مجازات متعدد و به تعداد جرائم ارتكابی، در عمل مراجع قضایی با چالشی مواجه نبودند؛ اما بر اساس قانون جدید و با وصف تعیین مجازات واحد برای جرائم (غیرقابل گذشت) متعدد مشابه متهم، در صورت گذشت تعدادی از شکات، تکلیف مرجع قضایی در اعمال یا اعمال نشدن مقررات تخفیف مجازات با چالش مواجه می‌گردد؛ زیرا از یک طرف تعدادی از شکات اعلام گذشت نموده‌اند و گذشت شاکی یکی از جهات تخفیف مجازات می‌باشد؛ و از طرف دیگر تعداد دیگر از شکات، تقاضای مجازات متهم را دارند و در عمل نیز مرجع قضایی مکلف به تعیین مجازات واحد برای متهم می‌باشد. ۲. مرحله بعد از صدور حکم قطعی: بر اساس ماده ۴۸۳۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، گذشت شاکی در جرائم غیرقابل گذشت و بعد از صدور حکم قطعی، از جهات تخفیف مجازات محسوب و دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند در حدود قانون برای مرتکب تخفیف مجازات اعمال نماید. حال در صورتی که تعدادی از شکات در این مرحله اعلام گذشت قطعی و منجز نمایند، چالشی که در این مرحله مطرح می‌گردد این است که، با توجه به تعیین مجازات واحد و تعدد شکات با وصف گذشت برخی از شکات و تقاضای اجرای مجازات از طرف تعداد دیگر، در این حالت تکلیف مراجع قضایی در اعمال مقررات ماده ۴۸۳ قانون اخیرالذکر و یا اعمال نشدن مقررات مذکور، مشخص نمی‌باشد؛ و این امر به عنوان یکی از چالش‌های اساسی در مقام اعمال مقررات مذکور می‌باشد» (Fetili et al., 2021).

«ب) فرض دوم: شخصی مرتکب ده فقره جرم خیانت‌درامانت شده است و بر اساس ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری خیانت‌درامانت موضوع ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات ۱۳۷۵، جرم قابل گذشت محسوب می‌گردد»

(Mosadegh, 2016) و بر اساس ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «جرائم قابل گذشت، جرایمی هستند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی می‌باشد. «علی‌ای حال باتوجه به مراتب یاد شده فوق، در صورتی که برخی از شکات قبل از صدور حکم قطعی، اعلام گذشت قطعی و منجر نمایند، مرجع قضایی در این حال قرار موقوفی تعقیب صادر می‌نماید؛ اما اگر بعد از صدور حکم قطعی و در مرحله اجرا برخی از شکات اعلام گذشت قطعی نمایند و برخی دیگر خواهان اجرای مجازات باشند، در این حالت با توجه به این که یک مجازات برای جرائم متعدد متهم تعیین و صادر شده است، در این حالت مراجع اجرای حکم با چالش مواجه می‌باشند. این در حالی است که بر اساس قانون سابق این چالش وجود نداشت و با توجه به تعیین مجازات به تعداد جرائم ارتكابی، مراجع اجرای حکم در صورت اعلام گذشت برخی از شکات، قرار موقوفی اجرا صادر می‌نمودند و در مقام عمل، برخلاف قانون جدید، هیچ چالشی وجود نداشت» (Rashnoudi & Mirzaei, 2021).

۲. چالش مراجع اجرای احکام در مورد جرائم قابل گذشت

«یکی از چالش‌های قانون کاهش، در مرحله اجرای احکام، تعیین تکلیف جرایمی است که بر اساس قانون سابق غیرقابل گذشت بوده و بدون شکایت شاکی، شروع به رسیدگی و دادرسی آن‌ها خاتمه یافته و منجر به صدور حکم قطعی شده‌اند، حال به موجب ماده ۱۱ قانون کاهش، ناظر بر ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی، جرم قابل گذشت محسوب می‌گردند. در این موارد آیا حکم صادره باید اجرا شود یا این که مرجع اجرای احکام، به جهت شکایت نکردن شاکی باید قرار موقوفی اجرا صادر نماید. در این رابطه اداره کل حقوقی قوه قضائیه طی نظریه مشورتی شماره ۱۳۶۱/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۶ و در پاسخ به سؤال؛ باتوجه به لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که طبق ماده ۱۱ آن برخی از جرائم

تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود، نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون تا صدور حکم قطعی مؤثر و در موارد صدور حکم قطعی بر اساس ترتیبات ماده ۱۰ قانون اخیرالذکر اقدام می‌گردد؛ بنابراین با توجه به موارد یاد شده فوق، مرجع اجرای احکام می‌بایست در راستای ماده ۵۰۵ قرار موقوفی اجرای حکم صادر کند» (Fetili et al., 2021).

۳. تفکیک جرائم قابل گذشت و غیرقابل گذشت

از لحاظ قانونی «در جرائم قابل گذشت در ادامه ماده ۱۰ آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با لحاظ درخواست بزه‌دیده مبنی بر این‌که صرفاً تعقیب کیفری مرتکب مطرح گردد یا جبران ضرر و زیان، حسب مورد از دو اصطلاح متفاوت شاکی و مدعی خصوصی استفاده شده است. مفهوم حیثیت عمومی و خصوصی و توجه به مصلحت‌های شخصی و اجتماعی مبنای شکل‌گیری جرائم قابل گذشت و غیرقابل گذشت در نظام حقوقی ایران است» (Mahmoudi et al., 2017). با تصویب قوانین بعد از انقلاب اسلامی این رویکرد دست‌خوش تحولاتی در قوانین موضوعه شد.

۳-۱. حق بزه‌دیده و قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن جرم «امروزه حق بزه‌دیده بر تعیین کیفر مرتکب در ادبیات سیاست کیفری گفتمانی رایج است. در بسیاری از موارد، مهم‌ترین نیاز بزه-دیدگان، مشارکت در تعیین مجازات و نحوه اجرای آن است. در واقع بزه‌دیده تمایل دارد در تعیین کیفر دخالت داشته باشد. بنابراین، برای این امر توسعه جرائم قابل گذشت مطمع نظر است. در واقع می‌بایست با توجه به اصل حداقلی مداخله دولت‌ها در نظام عدالت کیفری گسترش سیاست افزایش دامنه جرائم قابل گذشت مدنظر قرار گیرد. از طرفی کاهش جرائم قابل گذشت و عدم مداخله بزه-دیده در تعیین کیفر موجب نادیده انگاشتن بزه‌دیده به عنوان اولین قربانی بزه‌کار است» (Shiri, 2018).

غیرقابل گذشت تعزیری به جرم قابل گذشت تبدیل شده است اگر جرم غیرقابل گذشت مطابق بند «ب» ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری شروع به تعقیب و منتهی به حکم قطعی شده باشد و به اجرای احکام ارسال شود، آیا بایستی قرار موقوفی اجرا صادر شود یا این‌که برای موقوفی اجرا نیاز به گذشت شاکی است؟ پاسخ در فرض استعلام که تعقیب جرم غیرقابل گذشت صرفاً با اعلام جرم و بدون طرح شکایت از سوی شاکی خصوصی آغاز و نهایتاً رأی قطعی صادر شده و حکم در حال اجراست و متعاقباً مطابق ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، این جرم «غیرقابل گذشت» به «جرم قابل گذشت» تبدیل شده است، از موارد شمول ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است و قاضی اجرای احکام قرار موقوفی اجرای حکم صادر می‌کند» (Fetili et al., 2021).

«علی‌ای حال، نظر به این‌که قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، از نظر ماهوی یک قانون تعزیری ماهوی مخففه می‌باشد و بر اساس بند ب ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پیرامون قلمرو اجرای قوانین جزایی تعزیری ماهوی در زمان، یکی از استثنائات وارده بر اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین مذکور، وضع قوانین مخففه جدید می‌باشند. اصل قانونی بودن جرائم، برگرفته از ماده ۲ قانون اخیرالذکر^۱ و دارای آثار متعددی، از جمله؛ اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی تعزیری ماهوی می‌باشد. (به عنوان اثر قوانین جزایی در قلمرو زمان) و بر اساس این اصل، در مقررات و نظامات دولتی، مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل و ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم نمود؛ اما در موارد استثنا، چنان‌چه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر

^۱ ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود».

«تغییر پی‌درپی قوانین کیفری به‌ویژه در دهه ۹۰ و اصلاحات و الحاقات پی‌درپی نشان از عدم شناخت مقنن به عرف و زوایای پنهان جامعه دارد. این تغییرات گسترده بدون شناخت علاوه بر مشکلات دادرسی پیامد سیاست جنایی سرگردان را به جامعه می‌دهد. این امر در خصوص سیاست کیفری جرائم قابل‌گذشت و غیرقابل‌گذشت نمایان است. این امر علاوه بر رنجی که بر دستگاه عدالت کیفری وارد می‌شود، رسالت اصلی حقوق کیفری که حفظ نظم عمومی و پاسخ‌دهی درخور به بزه‌کاران و توجه به حقوق بزه‌دیده است را غیرقابل اجرا می‌نماید» (Jafarzadeh et al., 2022).

«از طرفی مقنن در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با گسترش دامنه سپاهه جرائم قابل‌گذشت تمایل به خصوصی‌سازی عدالت کیفری را مطمع نظر قرار داده است. این امر در ابتدا امری مطلوب و پسندیده است. اما زمانی می‌توان این امر را مورد توجه قرار داد که جامعه خصوصی‌سازی عدالت کیفری را پذیرفته باشند و نهاد آن در بطن جامعه ظهور کرده باشد» (Ahmadzadeh & Mashayekhi, 2019). خصوصی‌سازی یک باره عدالت کیفری ثمره‌ی جز افزایش جرائم در پی نخواهد داشت. در واقع خصوصی‌سازی عدالت کیفری ایجاد سازوکارهای آن مشکلات قضایی را چندان می‌نماید.

۳-۲. ضابطه تفکیک جرائم قابل‌گذشت یا غیرقابل‌گذشت

«اصولاً ضابطه جرائم قابل‌گذشت و غیرقابل‌گذشت در قوانین موضوعه به دو شیوه تعیین می‌گردد. در روش اول قانون‌گذار در موادی از قانون به ذکر جرائمی می‌پردازد که باگذشت شاکی خصوصی تعقیب آن‌ها نیز متوقف خواهد شد؛ این طریق به روش «احصای قانونی» موسوم شده است که از صراحت کافی برخوردار بوده و هیچ‌گونه ابهامی را تشخیص این نوع از جرائم باقی نمی‌گذارد. لکن، در روش دوم که به روش «ضابطه قانونی» شهرت دارد، مقنن صرفاً ضابطه تعیین جرائم قابل‌گذشت از

غیرقابل‌گذشت را بیان می‌نماید و تشخیص مصادیق آن را در اختیار مقام قضایی قرار می‌دهد. به‌طور مثال، جرائم ناشی از دعوی خانوادگی یا جرائم جنسی غیرعلنی را باگذشت شاکی، غیرقابل‌تعقیب اعلام می‌نماید که این روش از دقت کافی برخوردار نبوده و باعث ایجاد برداشت متفاوت قضات در تعیین مصادیق جرائم می‌گردد» (Khaleghi, 2020). «اولین پیشینه‌ی تقنینی در خصوص تعیین ضابطه و ملاک جرائم قابل‌گذشت و غیرقابل‌گذشت از قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ به‌عنوان اولین قانون مدون جزایی ایران آغاز می‌گردد. این قانون در ماده ۲۷۷ دو نوع اقامه دعوی را مطرح کرد؛ اول، حیثیت عمومی جرم و دوم حیثیت خصوصی آن به اعتقاد برخی این قانون سیاست جنایی مفید و مشخصی را در مورد جرائم قابل‌گذشت اتخاذ کرده بود» (Ashouri, 2019).

«از این‌رو، با توجه به سیاست دقیق در خصوص تفکیک جرائم قابل‌گذشت و غیرقابل‌گذشت مقنن سیاست واقع‌بینانه در پیش گرفته بود. با تصویب قانون تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قانون آیین دادرسی کیفری و کیفر عمومی در سال ۱۳۵۲ تبصره ۳ ماده ۱ آن قانون جرائم موضوع مواد ۲۱۰ و ۲۱۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ از شمار جرائم قابل‌گذشت خارج گردید و غیرقابل‌گذشت تلقی گردید. با ملاحظه ملاک تعیین جرائم قابل‌گذشت و غیرقابل‌گذشت در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ می‌توان ادعان داشت که مقنن از ضابطه‌ی احصای قانونی استفاده کرده است. لکن، این ضابطه مطلق نبوده و شرط تحقق آثار آن فرع بر احراز فقدان سابقه‌ی کیفری متهم به جرائم واجد مجازات جنحه یا جنایت خواهد بود. با تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ تغییر و تحولی در ضابطه تعیین جرائم قابل‌گذشت و غیرقابل‌گذشت مصرح در ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ حادث نشد. البته مقنن اصل غیرقابل‌گذشت بودن و این تفکیک را از حقوق فرانسه اتخاذ کرده بود» (Sadeghi, 2010).

این فرض به صورت واجب تخیری پیش‌بینی شده بود. انتقاد اساسی بر رویکرد تقنینی صورت گرفته در سال ۱۳۷۵ قابل طرح بود. نخست ملاحظه می‌گردد، قانون‌گذار با الزام به رعایت موازین فقهی و شرعی، نوعی اجتهاد را برای قضات پیش‌بینی کرده بوده که برای قضات مأذون از یک طرف تکلیف است و از سوی دیگر تکلیفی است خارج از وظایف قضایی؛ زیرا تکلیف قضایی استنباط حکم هر دعوی از قوانین مصوب است نه استنباط حکم کلی جرم، از حیث قابل‌گذشت بودن یا نبودن از روی ادله شرعی» (Tahmasebi, 2019).

«تحولات مهمی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به وجود آمد. قانون‌گذار سال ۱۳۹۲ برخلاف قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) سال ۱۳۷۵ هم از شیوه ضابطه قانونی در ماده ۱۰۳ و هم از شیوه احصای قانونی در ماده ۱۰۴ استفاده نمود. در این قانون قابل‌گذشت بودن جرمی اساس جواز نهادهای تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، تخفیف مجازات، معافیت از مجازات، نظام نیمه آزادی و مشروط است. از سویی ماده ۱۰۳ مصوب ۱۳۹۲ با وفاداری به اصل غیرقابل‌گذشت بودن جرائم دو ضابطه برای تفکیک ارائه نمود. اولین مورد ناظر بر تصریح به جرائم قابل‌گذشت در قانون است. دومین مورد هم جواز رجوع به منابع شرعی و فقه‌ای از عبارت (حق الناس بوده و شرعاً قابل‌گذشت) می‌باشد. لیکن، مقصود مقنن ابهام‌آمیز است. زیرا معلوم نیست که ناظر بر چه مواردی است. با توجه به این که قانون‌گذار در ماده ۱۰۴ اقدام به احصای جرائم قابل‌گذشت با ماهیت مجازات‌های حدی، مستوجب قصاص، دیه و همچنین مستوجب تعزیر اعم از منصوص شرعی و غیرمنصوص شرعی نموده است به نظر می‌رسد، نیازی به پیش‌بینی قسمت اخیر ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نبود. زیرا، در جرائم مستوجب تعزیر حسب اصل قانون بودن جرائم و مجازات‌ها و مفهوم مخالف ماده ۲۲۰ جواز رجوع به موازین شرعی جهت اعمال کیفر از مقام قضایی سلب

«در قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ تغییراتی در ضابطه و مصادیق جرائم قابل‌گذشت و جرائم غیرقابل‌گذشت ایجاد نگردید. با تصویب مبحث چهارم تعزیرات در سال ۱۳۶۲، قانون‌گذار در ماده ۱۵۹ قانون فوق، تحولی را در خصوص معیار جرائم قابل‌گذشت با تصریح به آثار آن بر تعقیب و اجرای مجازات مرتکب به وجود آورد. ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۲ اشعار می‌داشت: در حقوق الناس تعقیب و مجازات مجرم متوقف بر مطالبه صاحب حق یا قائم‌مقام قانونی اوست. ملاحظه می‌شود، مقنن در ماده مذکور از روش ضابطه قانونی برای تبیین مصادیق جرائم قابل‌گذشت استفاده نموده بود. لیکن، ضابطه خاصی به‌رغم آثار مهمی بر تفکیک جرائم حق‌الله و حق الناس وجود ندارد» (Ashouri, 2019).

«با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به صورت موردی حکم برخی از جرائم را از حیث قابل‌گذشت بودن یا نبودن در مواد قانونی ۲۰۳، ۲۰۸ و تبصره ۲ ماده ۲۶۹ تعیین نمود. اما به لحاظ زیاد بودن تعداد جرائم که اغلب نیاز واجد مجازات تعزیری بوده قانون‌گذار در سال ۱۳۷۵ مبادرت به تصویب کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی (مجازات‌های تعزیری و بازدارنده) کرد و به شیوه قبل از انقلاب رجوع و همان ملاک روش احصای قانون ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در ماده ۷۲۷ منعکس کرده است. مقنن در ماده ۷۲۷ قانون تعزیرات، ضامن احصای جرائم قابل‌گذشت، اثر گذشت شاکی در این نوع از جرائم قبل از صدور حکم قطعی را به اختیار مقام قضایی محول نمود» (Tahmasebi, 2019) حسب ماده فوق: «در صورت گذشت شاکی خصوصی، دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف‌نظر نماید».

لذا «در زمان حاکمیت ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ گذشت شاکی در جرایم قابل‌گذشت الزاماً منتهی به صدور قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرا نمی‌شد و تکلیف مقام قضایی در

شده است و بالتبع با عدم امکان رجوع به موازین شرعی در این نوع از جرائم، بررسی ماهیت حق الناسی جرم امری بیهوده تلقی خواهد شد» (Tahmasebi, 2019).

۳-۳. تکلیف مقامات رسمی نسبت به اعلام قابل گذشت بودن یا نبودن جرم

«اصولاً تکلیفی از حیث اعلام جرم متوجه افراد جامعه نیست، لکن مقنن استثنائاً در راستای حفاظ و تأمین هر چه بیشتر سلامت نظام اداری کشور، مقامات و مسئولین اداره و سازمان‌ها را مکلف کرده است در صورت اطلاع از وقوع جرم در محیط اداری، مراتب را جهت تعقیب مرتکب به دادستانی منعکس نمایند. لذا، اولین اثر توسعه دامنه جرائم قابل گذشت محدود شدن تکلیف مقامات رسمی است. این امر در مرحله اول با سیاست‌های کلی واکنش به جرم صرف‌نظر از قابل گذشت بودن یا نبودن جرائم قابل انتقاد است. زیرا، این رویکرد در مبارزه با جرم و سیاست‌های کلی مبارزه با فساد مخالف است. لذا می‌بایست اعلام جرم برای مبارزه با جرم و فساد حداقل در میان مقامات رسمی تنها محدود به جرائم غیرقابل گذشت نباشد. از این رو، می‌بایست هم‌سو با بیانیه گام دوم انقلاب و ماده ۱۳ قانون ارتقا سلامت نظام اداری و مقابله با فساد ۱۳۹۰ هم‌راستا شد. در حقوق کیفری فرانسه مقنن در راستای این تکلیف، صرف‌نظر قابل گذشت یا نبودن جرم، مقامات رسمی را در جرائم جنه و جنایات مکلف به اعلام جرم کرده است» (Ashouri, 2019).

«جرائمی که جنبه خصوصی آن‌ها بر جنبه عمومی‌شان غلبه دارد به اراده و خواست بزه‌دیده وابسته بوده و تا هنگامی که او شکایت خود را مطرح نکند، دادستان نمی‌تواند در راستای تعقیب مرتکب، گامی بردارد. بنابراین، می‌توان گفت اصولاً عدم شکایت شاکی در جرائم قابل گذشت از موانع تعقیب دعوی عمومی محسوب می‌شود و از طرفی دیگر با شروع به شکایت وی در این نوع از جرائم، تعقیب مرتکب توسط دادستانی به جریان افتاده و باگذشت شاکی

تعقیب کیفری مرتکب حسب ماده ۱۳ قانون مذکور موقوف می‌شود. قید اصولاً در موضوع بیان‌شده ناظر بر آن است که استثنائاً در برخی موارد مقنن در جهت رعایت مصلحت بزه‌دیده فارغ از عدم طرح شکایت شاکی، حق شروع به تعقیب دعوا را به دادستان اعطا نموده است» (Javanmard, 2015). «این استثنا حسب ماده ۷۰ آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ناظر بر مواردی می‌باشد که بزه‌دیده به لحاظ محجوریت، اهلیت استیفا برای طرح شکایت و درخواست شروع به تعقیب را ندارد و ولی یا قیم وی وجود نداشته یا به آن‌ها دسترسی وجود ندارد و یا خود ولی یا قیم مرتکب جرم علیه مولی علیه و محجور شده باشند که در این فرض دادستانی یا شخصاً امر تعقیب کیفری را علیه مرتکب به جریان می‌اندازد و یا مبادرت به نصب قیم موقت می‌کند؛ این اختیار خلاف اصل ضرورت طرح شکایت شاکی در جرائم قابل گذشت بوده و حسب ماده فوق، اقدامات صورت گرفته در حد حفظ و جمع‌آوری ادله و جلوگیری از فرار متهم خواهد بود و با پایان مرحله تحقیقات مقدماتی نیز این اختیار پایان خواهد یافت و مرحله دادرسی برخلاف مرحله تحقیقات مقدماتی که از ویژگی ضرورت و فوریت حسب مفهوم مخالف ماده ۹۴ آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برخوردار نیست بایستی ادامه روند محاکمه با حضور ولی و در غیر این صورت با نصب قیم ادامه یابد» (Jafarzadeh et al., 2022).

«گذشت شاکی نیز در مرحله تحقیقات مقدماتی (اعم از دادسرا یا دادگاه) و نیز مرحله دادرسی تا قبل از صدور حکم قطعی باعث موقوف شدن تعقیب کیفری خواهد شد و حسب ماده ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عدول از گذشت دیگر مسموع نخواهد بود. البته گاهی در خصوص برخی از رفتارهای مجرمانه در صورتی که شاکی مبادرت به گذشت نماید تحت شرایطی امکان عدول از گذشت و شکایت مجدد به لحاظ حدوث آثار جدید از رفتار مجرمانه قبلی وجود خواهد داشت. این موضوع بیشتر در

نتیجه‌گیری

قانون‌گذار در تعیین جرمی که قابل‌گذشت باشد یا خیر، بر این موضوع تأکید ویژه‌ای دارد که اگر اصل عمومی بودن جرم و منافع جامعه تعیین‌کننده‌ی غیرقابل‌بخشش بودن جرم خواهد بود. قانون‌گذار مجازات اسلامی با به رسمیت شناختن گذشت مشروط و معلق در تبصره ۱ ماده ۱۰۱ باب سوءاستفاده از حق را برای شاکی گشوده است. با توجه به این‌که شرط یا مورد تعلیق درگذشت می‌تواند جنبه‌ی مالی یا غیرمالی داشته باشد، شناسایی این عمل حقوقی در مواردی می‌تواند منجر به تحقق انگیزه‌های مالی در اعلام گذشت از سوی شاکی شود و در نتیجه گذشت از جرم به‌جای آن‌که رهیافتی حقوقی در راستای تحقق اهداف سیاست جنایی باشد، تبدیل به یک فرصت مال‌اندوزی برای شاکیان گردد که در نتیجه‌ی آن مرتکبان برخورداری از وضعیت مالی مناسب با تطمیع شاکی، اسباب خروج خود را از فرایند کیفری فراهم می‌آورند. نکته‌ی حائز اهمیت دیگر نیز انحصاری کردن حق شکایت بزه‌دیده می‌باشد که در صورت تهدید توسط بزه‌کار، بزه‌دیده ممکن است که از شکایت خود صرف‌نظر نماید. که یک چالش برای احقاق حق بزه‌دیده می‌تواند تلقی گردد. پیشنهاد می‌گردد که در روند قانون‌گذاری تصمیمات به سویی نرود که تنظیم قوانین قابل‌گذشت و توسعه‌ی آن‌ها منجر به عدم توجه به بزه‌دیده گردد. تأکید نظام حقوقی به سمت منحصر به خاص شدن رأی‌های صادره برود و از قوانین کلی و غیر منعطف بودن مواد قانونی پرهیز شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The legal framework governing forgivable crimes in Iranian law has evolved significantly over the years, shaped by both jurisprudential

جنایت (اعم از عمدی یا غیرعمدی) رخ می‌دهد. به‌عنوان مثال، شاکی با تصور آن‌که آسیب حاصل از جراحات و صدمات وارده بر وی جزئی بوده مبادرت به گذشت نماید، لکن پس از گذشت شاکی، ثابت گردد که صدمات حاصله بیشتر از صدماتی بوده که موضوع گذشت وی قرار گرفته است و یا صدمه قبلی باعث سرایت به عضو دیگری شده است، شاکی می‌تواند تعقیب مجدد مرتکب را با طرح شکایت از مقام تعقیب درخواست نماید» (Jafarzadeh et al., 2022).

ضمن این‌که اقدام قانون‌گذار در ماده ۷۹ آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ قابل تحسین است. «اما انتقاد بر این ماده در خصوص درخواست تعقیب مجدد مرتکب تا انقضای یک سال از زمان صدور قرار است. این امر در ابتدا به نفع بزه‌دیده است. لیکن، این امر عدم قطعیت در گذشت را مسموع دانسته است. و در عالم حقوق به‌ویژه حقوق کیفری شک و تردید شاکی برای گذشت قابل دفاع نیست. از طرفی ادله جرم از بین رفته‌اند و از سویی دیگر اطلاع دادرسی را موجب می‌شود. از سویی دیگر این ماده با ابهام روبرو است. که آیا دادستان می‌تواند در جرائمی که قابل‌گذشت هستند، اما جنبه عمومی دارند قرار ترک تعقیب صادر نماید. برخی معتقدند با توجه به این‌که در قتل عمدی علاوه بر قصاص، مجازات تعزیری ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز پیش‌بینی شده است، لذا صدور قرار ترک تعقیب مجاز نیست. لکن به نظر می‌رسد اطلاق جرائم قابل‌گذشت در صدر ماده ۷۹ این قابلیت را دارد که در خصوص قتل عمد و یا جنایت مادون نفس نیز تسری داشته باشد با این تفاوت که نسبت به جنبه خصوصی بزه قرار ترک تعقیب و نسبت به جنبه عمومی بزه (حسب مورد مجازات تعزیری ماده ۶۱۲ یا ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات) قرار جلب به دادرسی صادر خواهد شد» (Abedi, 2019).

traditions and modern legislative reforms. Historically, before the formation of centralized state structures, crimes were primarily considered private wrongs rather

than violations of public order, thus lacking a public aspect that would justify state intervention (Foroughi, 2004). The emergence of the notion of public order and the associated social harm caused by crime introduced a duality in the characterization of offenses: crimes could impact both the individual victim and the broader societal order. Iranian criminal policy has recognized this duality by distinguishing between public and private dimensions of crime. As a result, some crimes, although inherently public in nature, have been classified as forgivable due to the significant role of the victim's interests, leading the legislature to give considerable weight to the complainant's will in the legal process (Aghaei Jannat Makan, 2018). According to Article 103 of the 2013 Islamic Penal Code, unless explicitly stated otherwise in the law, a crime is presumed unforgivable unless it involves private rights (*ḥaqq al-nās*) and is subject to forgiveness under Islamic law. Forgivable crimes thus emerge as a legal anomaly, justified primarily when private harm outweighs public interest. The procedural dynamics of these crimes—initiation and continuation of prosecution, trial, and even enforcement of sentence—depend entirely on the will of the complainant (Ahmadzadeh & Mashayekhi, 2019). Iranian criminal legislation has employed both the method of legal enumeration and definitional criteria to identify forgivable crimes across different legal epochs, thereby reflecting a complex interaction between legislative intent and judicial discretion (Mahmoudi et al., 2017). The most recent legal developments, particularly the 2020 amendment to the Islamic Penal Code (referred to as the Law on Reduction of Discretionary Punishments), have further complicated the landscape of forgivable crimes. Article 11 of this law introduces vague terminologies and conditionalities that have led to significant judicial uncertainty. For instance, the

inclusion of fraud under certain financial thresholds as a forgivable crime raises interpretive challenges, especially when considering whether cyber fraud falls within this classification. Although a legal advisory opinion by the Judiciary's Legal Department confirmed the applicability of forgiveness to cyber fraud under Article 741 of the Penal Code, scholarly critique suggests that this interpretation may contradict the foundational principles of legal certainty and legislative clarity (Fetili et al., 2021). Additionally, the condition requiring the presence of a victim for offenses against property introduces logical inconsistencies, given that such offenses are inherently victim-based and the absence of a clear victim undermines the definitional core of the crime (Rashnoudi & Mirzaei, 2021). Furthermore, the varied forms of criminal liability—direct perpetration, complicity, or attempted commission—add another layer of complexity, as the applicability of forgiveness in these scenarios remains contested despite advisory opinions attempting to provide comprehensive guidance (Fetili et al., 2021). Collectively, these ambiguities hinder uniform interpretation and lead to inconsistent judicial outcomes, thereby challenging the fundamental principles of legal predictability and equality before the law.

Another major challenge relates to the judicial handling of multiple offenses of a similar nature committed by a single defendant. Under previous legislation, each offense would result in a distinct sentence, regardless of similarity. However, the new law mandates a single penalty for all similar offenses committed by an individual, which introduces complications when some victims forgive the perpetrator while others do not. The judiciary is then left with the difficult task of reconciling the demand for leniency from some victims with the insistence on punishment by others. This issue becomes particularly pronounced in

forgivable crimes such as breach of trust, where partial forgiveness before or after sentencing could theoretically halt prosecution or sentence enforcement, respectively (Mosadegh, 2016). However, when the legal framework limits sentencing to a single penalty for multiple offenses, partial forgiveness generates practical dilemmas in deciding whether to apply leniency or uphold the punishment. The former regime allowed more granular handling of such cases by assigning individual sentences to each offense, thereby simplifying the execution phase when partial forgiveness occurred. In contrast, the new approach, although aimed at penal reform and reduction of excessive punishment, inadvertently creates procedural bottlenecks for courts and enforcement agencies (Fetili et al., 2021).

In addition to the substantive and procedural challenges associated with defining and applying forgivable crimes, issues have also emerged concerning the implementation of final sentences rendered under the previous legal framework. Many cases prosecuted and adjudicated under the older laws—where certain crimes were classified as unforgivable—are now subject to new interpretations following the legislative amendments. In such instances, execution authorities are uncertain whether they should enforce these sentences or halt enforcement based on the new classification. The Judiciary's Legal Department has opined that under Article 505 of the Code of Criminal Procedure, enforcement should cease if the offense is now legally forgivable, even if the case was previously adjudicated without a complainant's involvement (Fetili et al., 2021). This interpretation is rooted in the principle that criminal laws of a mitigatory nature should apply retroactively if they are more favorable to the defendant. As such, the transformation of certain crimes into forgivable offenses mandates a halt in

enforcement where appropriate. Nonetheless, this approach also underscores the tension between legal finality and legislative responsiveness, as retroactive application of lenient laws may undermine the deterrent effects of prior rulings and complicate the moral message conveyed by judicial decisions. The theoretical underpinnings of forgivable crimes in Iranian criminal law are further complicated by the dualistic classification of offenses into *ḥaqq al-nās* (private rights) and *ḥaqq al-llāh* (public rights). While the law appears to privilege private autonomy in initiating and terminating criminal proceedings in forgivable offenses, the blurred boundaries between public and private rights often render these distinctions difficult to operationalize. Moreover, the gradual privatization of criminal justice—evident in the expansion of forgivable crimes—raises concerns about the potential commodification of legal processes. Critics argue that allowing complainants to withdraw charges under conditional or suspended forgiveness arrangements could incentivize extortion or financially motivated settlements, especially when perpetrators are affluent and can influence the outcome through compensation (Ahmadzadeh & Mashayekhi, 2019). Additionally, the over-reliance on victim participation in prosecution poses risks in cases involving intimidation, where victims may be pressured into silence. Legal scholars have also pointed out that the shift towards privatization contradicts broader anti-corruption and public accountability policies, suggesting a need for a more balanced approach that respects both victim autonomy and public interest (Jafarzadeh et al., 2022; Shiri, 2018).

Ultimately, the broader historical and comparative perspective reveals that the challenges associated with forgivable crimes in Iranian law are not entirely unique. Since the enactment of the General Penal Code in 1925,

Iranian legislators have experimented with both enumerative and definitional criteria for classifying crimes as forgivable or not. Early laws relied heavily on enumeration, specifying which crimes were subject to forgiveness. However, later laws introduced abstract standards that left interpretation to judicial discretion, which, while flexible, often led to inconsistent rulings and legal uncertainty (Ashouri, 2019; Khaleghi, 2020). The 1996 Penal Code sought to reconcile these approaches by returning to enumeration while still allowing some judicial discretion. This oscillation between strict listing and open-ended standards reflects a broader legislative ambivalence about the proper balance between legal certainty and adaptability. The 2013 Penal Code and subsequent amendments attempted to synthesize these traditions by simultaneously invoking both legal methods. Yet, this dual approach has not eliminated interpretive confusion. Instead, it has introduced new layers of complexity, particularly concerning the role of religious jurisprudence, the applicability of forgiveness in compound crimes, and the procedural rights of complainants and defendants.

In conclusion, while the Iranian legal system has made considerable efforts to modernize and rationalize the classification and treatment of forgivable crimes, substantial theoretical and practical challenges remain. These range from legislative ambiguities and judicial inconsistencies to procedural dilemmas in enforcement and implementation. The expansion of forgivable crimes must be approached with caution to avoid undermining public trust in the justice system or enabling exploitation by powerful actors. A more coherent and principle-driven approach is needed to ensure that the goals of criminal justice—namely deterrence, retribution, rehabilitation, and victim satisfaction—are met without sacrificing legal clarity or procedural fairness. Additionally,

safeguards should be implemented to protect victims from coercion and to prevent the misuse of forgiveness provisions for purposes contrary to justice. A reassessment of legislative drafting techniques and clearer guidance to judicial actors could play a pivotal role in resolving the current challenges and moving towards a more just and equitable application of the law.

References

- Abedi, A. (2019). *Criminal Procedure* (Vol. 3). Judiciary Publications.
- Aghaei Jannat Makan, H. (2018). *General Criminal Law* (Vol. 2). Jangal/Javdaneh Publishing.
- Ahmadzadeh, R., & Mashayekhi, Z. (2019). Legal Analysis of Conditional Forgiveness and Its Effects. *Judiciary Legal Journal*, 83(106), 21-44.
- Ashouri, M. (2019). *Criminal Procedure* (Vol. 1). SAMT Publications.
- Fetili, S., Ghadiri Bahram Abadi, R., Sadeghnejad Naeini, M., & Naqdi Dorbati, M. (2021). Expansion of Forgivable Crimes in the Law on Reducing Discretionary Imprisonment Sentences (Practical Review of Challenges and Achievements). *Scientific-Research Journal of Criminal Law and Criminology*, 9(18), 281-302.
- Foroughi, F. (2004). Forgivable Crimes in Iranian Law. *Journal of Social and Human Sciences, Shiraz University (Special Issue on Law)*, 21(2), 17-34.
- Jafarzadeh, S., Alizadeh, H., & Nesar Kohneh Shari, A. J. (2022). Forgivable and Non-Forgivable Crimes in Iran's Criminal System. *Biannual Criminal Law Research Journal*, 13(4), 7-28ER -
- Javanmard, B. (2015). *Essentials of Criminal Procedure* (Vol. 1). Jangal/Javdaneh Publishing.
- Khaleghi, A. (2020). *Notes on the Criminal Procedure Code* (Vol. 15). Shahr-e Danesh Publications.
- Mahmoudi, M., Babaei, M. A., & Hosseini, S. B. (2017). Elements of Forgivable Crimes in Iranian Criminal Law. *Journal of Criminal Law Teachings (Razavi Islamic Sciences University)*, 14(14), 39-63.
- Mosadegh, M. (2016). *Commentary on the Islamic Penal Code (Hudud)* (Vol. 3). Jangal/Javdaneh Publishing.
- Rashnoudi, A., & Mirzaei, Z. (2021). *Challenges and Achievements of the Law on Reducing Discretionary Imprisonment Sentences (Passed in 2020)* (Vol. 1). Andisheh Novin Publications.
- Sadeghi, M. (2010). Forgivable and Non-Forgivable Crimes in the Islamic Penal Code and the Criteria

for Differentiation. *Payam-e Amoozesh Journal*, 2(7), 17-34.

Shiri, A. (2018). The Victim's Right in Determining Punishment and Its Execution. *Judicial Legal Perspectives Quarterly*, 23(81), 77-105.

Tahmasebi, J. (2019). *Criminal ProcedurePB - Mizan Publishing* (Vol. 4).